

# خبرنامه

چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ: ۱۱ / ۱۳۵۸

شماره: ۱۲

باید در جریان مبارزات توده‌ها،  
در هر شکل و سطحی که باشد،  
قرار داشت و آنها را ارتقاء داد!

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها!

\* در خبر نامه شماره ۱۰ گزارشی از کارخانه قند میاندوآب درج شده بود. برای آشنائی بیشتر با وضع این مرکز تولیدی، شرح مختصر زیر از نظر خوانندگان میگذرد.

\*\*\* \*\* \*

کارخانه قند میاندوآب يك کارخانه دولتی وابسته به وزارت جنگ است. از نظر تکنولوژی وابسته بخارج خصوصا آلمان است. مواد اولیه آن (چغندر قند)، از محصولات کشاورزی حومه میاندوآب و شهرهای نزدیک (مهاباد، بوکان، شاهیندژ و...) تامین میشود. در موقع بهره برداری که اکثر قسمتهای کارخانه بکار میافتد، بین ۷۰۰ الی ۸۰۰ کارگر که اکثرشان از دهات نزدیک میاندوآب هستند، بکار گرفته میشوند و بین ۱۷۰ الی ۲۰۰ کارگر و کارمند در آن مشغول بکار هستند. زندگی اکثر کارگران موقتی کارخانه وضع بدی دارد و رفت و آمدشان، خصوصا در فصل زمستان با مشکلاتی همراه است. کارگران دائمی که پستهای حساس کارخانه را اشغال کرده اند اکثرا دارای وضع زندگی مرفهی هستند. کارگران کارخانه چه در زمان رژیم گذشته و چه حالا از تشکل بصورت سندیکا یا شورا برخوردار نبوده اند و اکثرا يك یا دو نماینده از طرف کارفرما تعیین میشوند و حکم عروسکی را دارند که بدست کارفرما به بازی گرفته میشوند. کارگران کارخانه از سابقه مبارزاتی برخوردار نبوده و اعتراضات آنها که اکثرا بخاطر حقوق صنفی بوده، بصورت پراکنده یا فردی بوده است بجز پس از قیام بهمن ماه که کارگران تحت تاثیر مبارزات سراسری کارگری دست به يك حرکت - هر چند ناموفق - زدند.

در بررسی علل فقدان حرکت کارگری این کارخانه، بجز عواملی که بعنوان عوامل بازدارنده در همه جا عملکرد یکسانی دارند (تهدید به اخراج کارگران، کارگران اضافی پشت درهای کارخانه بعنوان نیروی ذخیره، نداشتن آگاهی سیاسی، سرکوب و فشار)، به عامل دیگری که موقتی بودن کارگران این کارخانه است میرسیم. بدین معنی که کارفرما هر وقت دلش خواست میتواند قسمت یا قسمتهایی از کارخانه را تعطیل و خیل کارگران را بیکار کند و این موقتی بودن سدی است در راه تشکل کارگران. بررسی حرکت اخیر کارگران پس از قیام بهمن ماه، عملکرد این عوامل را بهتر نشان میدهد: حرکت سراسری کارگری که قبل از قیام و بعد از آن اوج تازه ای گرفته بود، توانست در قسمتهایی از این کارخانه خصوصا در قسمت "آدانته" (آنجا که قند حبه تولید میشود) حرکتی بوجود بیاورد.

از اوایل تیر ماه زمزمه اعتراض برای کسب حقوق صنفی در کارگران پیدا شد. این زمزمه در اوایل مرداد ماه تهدید به کم کاری شد تا اینکه پس از چند روز کم کاری، سر و کله رئیس با آخوند باصطلاح انقلاب پس پیدا شد و آقای رئیس پس از یکسری سخنرانی، وعده رسیدگی به خواستههای کارگران را داد.

ولی کارگران، هر روز که میگذشت، احساس میکردند که رئیس میخواهد آنها را سر بیدواند و عملا کاری نمیکند. تا اینکه روز ششم مرداد ماه دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. رئیس کارخانه بهمراه دارو دسته اش بدست ویا افتاده، و توسط عوامل مزدور خود، کارگران را تهدید کرد که این کارتان يك عمل ضد انقلابی (!!) است و اگر ادامه بدهید، شما را تحویل پاسداران میدهم و... خیلی تهدیدهای دیگر. ولی چون کارگران در این مدت مصمم شده بودند که باید حق خود را بگیرند، گوششنان به این حرفها بدهکار نبود تا اینکه رئیس کارخانه از در دوم که همان "چرب زبانی" باشد وارد گود شد و اینکار رئیس - بخاطر اینکه کارگران فاقد آگاهی سیاسی بودند - تا اندازه ای تاثیر کرد.

رئیس کارخانه. برای اینکه نقشه خود را پیاده کند، اقدام به اخراج نماینده کارگران که شخص مبارز بود کرده و او را بین کارگران "خرابکار" وابسته به خارج و غیره معرفی مینماید! نماینده کارگران که محبوبیت زیادی نیز در نزد آنان داشت، و تا آنوقت نیز توانسته بود در مقابل کارفرما مقاومت کند. عملا باین وسیله از صف کارگران رانده شد. البته رئیس کارخانه مجبور شد در مقابل یکپارچگی کارگران حقوق آنان را - طبق بخشنامه جدید وزارت کار - بپردازد ولی درست همانروز اقدام به تعطیل قسمت "آدانته" کارخانه کرده، و کارگران را بیرون میکند. او در اینکار از حمایت پاسداران و آخوند باصطلاح انقلابی نیز برخوردار بود.

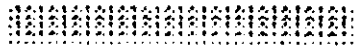
کارگران این قسمت نتوانسته بودند کارگران قسمتهای دیگر کارخانه را که زمزمه اعتراض در بین آنها نیز شنیده میشد به مبارزه بکشانند و رئیس از این موضوع نهایت استفاده را کرد و کارگران مبارز این قسمت را در بین سایر کارگران "ضد انقلابی" معرفی کرد.

قسمت "رافنری" کارخانه ( قسمتی که در آن کله قند تولید میشود ) بخاطر اخراج نماینده کارگران یک روز دست از کار کشیدند و این بهترین موقعیت برای کارگران قسمت "آدانت" بود که به حرکت اینها شکل بدهند ولی اینکار را نکردند و در مقابل کارفرما نیز نتوانستند یکپارچه بایستند .

کارگران در مراجعات مکرر به وزارت کار و فرمانداری نتیجه‌ای نگرفتند و در تمام مدت توسط مزدوران رژیم و کمیته چپها تهدید میشدند و مهیدند که وزارت کار و هر مقام دیگری عملاً از کارفرما حمایت میکنند و بنحوی میخواهند کارگران را سر بهدوانند . آخرین باری که کارگران در مقابل فرمانداری جمع شده بودند ، با سخنان تهدید آمیز فرماندار مواجه شدند . فرماندار تهدید میکرد که در صورت ادامه اعتراض ، با گلوله جوابتان را خواهیم داد و حتی مثالی آورد به این مضمون که اگر زیاد از آزادی حرف بزنید ، مثل گل پر پرتان میکنم . کارگران که هنوز شور و شوق مبارزه داشتند ، در مقابل حرف فرماندار اعتراض کردند ولی فرماندار با استادی تمام حرف خود را پس گرفت و طور دیگر تعبیر کرد .

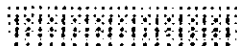
کارگری داد میزد " معلوم است سرمایه دار برای اینکه بتواند خون ما را بکشد احتیاج به مزدور دارد و چه کسی بهتر از فرماندار و کمیته چپها ؟ دیگری میگفت : اگر حق خواستن کار ضد انقلابیست در اینصورت باید تمام ملت ایران ضد انقلاب باشند چون حقشان را میخواهند !

باین ترتیب تنها حرکت نسبتاً موفق کارگری در این کارخانه با کسب یکسری تجربه برای کارگران تمام شد .



تهران - ۵۸/۱۰/۱۱

شورای کارخانه قرقره زیبا اعلام میکند که به پیروی از خواست خمینی ، کارگران باید پنجشنبه و جمعه را مجاناً برای جهاد سازندگی کار کنند ولی بدنیال اعتراض کارگران شورا دوباره اعلام میکند که این عمل اختیاری است و هیچگونه اجباری وجود ندارد . کارگرانی که تمایل دارند میتوانند روزهای مزبور به کار مشغول شوند .



تهران : کارگری که ۲۵ سال از زندگی خود را در رانندگی تاکسی که متعلق به خودش نیز نبوده گذرانده ، و هم اکنون مدت سه ماه است که بیکار میباشد میگفت : قرار بود شهرداری چند شماره تاکسی را بفروشد و صاحب کارم با الحاح از این موضوع ، سریع اقدام به فروش تاکسیهای خود میکند برای اینکه شهرداری این شماره ها را ارزانتر بفروش میرساند و این بضرر صاحبان تاکسی میباشد و صاحب کار

ببرقرار و پیاد جمهوری دمکراتیک خلق

به رهبری طبقه کارگر

این شایعه که دانش آموزان ترکمن، دانش آموزان غیر ترکمن را مورد ضرب و جرح قرار داده اند عده ای از اهالی نا آگاه غیر ترکمن گنبد را تحریک کرد و اینان به هنرستان یورش بردند. دانش آموزان ترکمن را مورد حمله قرار دادند. نتیجه آن شد که یک دانش آموز ترکمن بشدت مضر و بگشته و در بیمارستان در گذشت. اکنون هنرستان حدود ۲۰ روز است که بهمین خاطر تعطیل است. عناصر مرتجع باید بدانند که از اینهمه توطئه ها و ایجاد تفاق بین ترکمن، کرد، فارس، ترک و... هیچ نصیبی نخواهند برد. بالاخره تمامی خلقهای آزاده ایران با اتحاد و اتفاق بسا یکدیگر، مرتجعین را به زیاله دان تاریخ خواهند سپرد.



چه کسانی در خرم آباد حکومت میکنند؟

\* - لرستان - خرم آباد

عبد الرضا قیاسیان (مطب به عبد و قیاسی) را همه اهالی خرم آباد میشناسند. ایشان یکی از بزرگترین اوباشان شهر خرم آباد بودند که آوازه جیب بریها، ولگردی ها و سایر اشتغالات بیشرمانه شان در تمام خرم آباد پیچیده بود. عبد و قیاسی از آنجائیکه دارای مدرک فوق دیپلم بود، تا قبل از قیام دبیر هنرستان بود اما بعد از قیام ایشان با حمایت حزب جمهوری اسلامی و دو نفر آخوند بنامهای شیخ مهدی قاضی و برادرش عبد الرحمن قاضی به ریاست یکی از کمیته ها و عضویت شورای رفه دارگاه انقلاب منصوب شد و با تفاق چند تن دیگر از اراذل و اوباش، شهر را قرق کرد. این دار و دسته مسلح هر کار که بخواهند که میکنند و از آنجایی که مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی هستند، هیچکس جرأت ندارد که به آنها بگوید. بالای چشمبان ابروست، جالبتر از همه اینکه در وقتی مردم از این دار و دسته به نمایندگی آقای خمینی در خرم آباد شکایت میکنند ایشان همیشه میگویند: من نمیتوانم با اینها کاری بکنم و خودم هم میخواهم از دست اینها فرار کنم و از خرم آباد بروم! وقتی نماینده خمینی میخواست از دست دار و دسته عبد الرضا قیاسیان فرار کند

ما این تاکسیها را به بازاریان و سرمایه دارانی چون خودش فروخته تا پول بیشتری بجیب بزنند در حال حاضر ناه ای به مقامات مسئول شهر - داری نوشته ام و از آنها خواسته ام که یکی از شماره های تاکسی را بعنوان کمک بیک مستضعف در اختیارم بگذارند. ناسلامتی ما انقلاب کردیم که وضعمان بهتر شود. تا کی میتوانم برای تامین هزینه زندگی زن و بچه هایم از این و آن قرض کنم و از این راه امرار معاش کنم؟ بالاخره باید کاری در دست داشته باشم تا قرضم را پس بدهم.



گیلان ۵۸/۱۰/۱

دانش آموزان دبیرستان دخترانه پروین اعتصامی "لشت نشا"، پس از متشکل شدن در مدرسه، دست بیک راهپیمایی زدند و شعار گویان به زمین تخت انظار یکی از زمینداران مرفه و ف آنجا بنام جوشنی رفتند و بعد از آن دست نشستند و خواستار گرفتن زمین - پس برای ساختن مجتمع آموزشی شدند. طبق آخرین خبر روز پنجشنبه، ۳۰ دیماه، مدیرم اعتراض خواهر زمیندار فوق (عزت وی) فساد فراری است) به دادگاه، اداره آموزش و پرورش نیز تسلیم این خواسته دانش آموزان شده است.



شهر کرد (مرکز چهار سال، بختیاری):

دانش آموزان کلاس چهارم نظری دبیرستان دخترانه "نوربخش" دستهای مادی بعنوان اعتراض به یکی از معلمینشان، هر روز بجای رفتن به دبیرستان، با تفاق با در را در خود به اداره آموزش و پرورش رفته سر آنجا معصن میشوند.



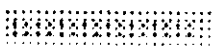
چگونه مرتجعین به بیانه اختلافات قومی، مردم را بجان یکدیگر میاندازند:

\* - گنبد گویس - در هنرستان "سعید آباد" گنبد گاوس، ساکنان ترکمن و غیر ترکمن به تحصیل مشغولند. رئیس هنرستان شخصی بنام مهندس عسگری است. این شخص با پراکندن

دروغ به شما گردان را ستنبین صید بهرنگی

وای بحال مردم. این آقای عبد و قیاسی دسته گلهای زیادی در خرم آباد بآب داده است که آخرین آن واقعه هنرستان صنمیتی خرم آباد است همانطور که گفتیم، عبد و قیاسی تا قبل از قیاسام بهمن ماه، دبیر هنرستان بود و سپس او را بسبب معاونت منصوب کردند تا شاید دست از اعمال خود بردارد. اما بعد از قیام ایشان با کتک زدن رئیس دبیرستان و بیرون کردن او از دبیرستان با یک کودتا قدرت رسید و خود رئیس دبیرستان شد و این مسئله مورد حمایت حزب جمهوری اسلامی قرار گرفت چرا که از این پس آقای عبد و قیاسی هر حرکت دانش آموزان را بوسیله دار و دسته مسلح خود سرکوب میکرد و به خانه مسا و خوابگاههای آنان حمله مینمود.

تهدید و فحش او را آزاد میکنند. روز تعیین شده برای تحصن مجدد، هنر جویان که به هنرستان آمده بودند مورد حمله دار و دسته قیاسی قرار گرفتند و این اوباشان هنرستان را به تصرف خود در آوردند. دبیران هنرستان وقتی از ما وقع خبردار میشوند از ترس جان دوباره به اداره آموزش و پرورش پناه میبرند. قرار میشود که قیاسی از دبیریت هنرستان برداشته شود اما او میگوید تنها در صورتی استعفا میدهد که ۳ تن از دبیران شاکی بر علیه او نیز استعفا دهند و از آنجایی که کسی جرأت مخالفت با ایشان را ندارد این امر مورد موافقت اداره آموزش و پرورش واقع شد و بدین ترتیب ۳ تن از دبیران را نیز بخاطر عدم همکاری!! منتظر خدمت کردند.



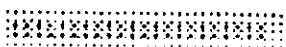
### دنباله خبر مسا

بابل - احمد چاله بی - حدود یکماه از روزی که زحمتکشان روستای " احمد چاله بی " زمینهای تحت اختیار زمیندار مفتخوارده خود را مصادره کردند میگذرد. البته زمیندار مذکور نیز بیکار نمانده و بوسیله ایادی خویش روستائیان را مورد آزار قرار میدهد. زمیندار پس از مصادره زمین به روستا آمده خطاب به روستائیان گفت: من زمین را بشما نخواهم داد!!

اما روستائیان که با همبستگی و تنها با اتکا به یکدیگر زمین را مصادره کرده بودند منتظر امر و نهی این آقا نبودند. روزی که زمیندار برای

نخستین بار پس از مصادره زمین در ده حضور یافت و تصمیم فوق الذکر خود را با اطلاع روستائیان رساند، خشم این زحمتکشان را چنان برانگیخت که او را کتک زده از ده بیرون انداختند.

با آنکه زمیندار اعلام داشت پس از روی محصول را باید ۱/۴ آن به او داده شود، اما روستائیان هم در مقابل گفتند: دیگر آن دوران گذشته و ما دیگر آقا بالا سر نمیخواهیم. هم اکنون روستائیان بر روی زمین فوق در حال کشت و کارند.



### ساری

چهار دانگه - با شروع سرما در برخی مناطق کوهستانی مانند روستای " کنتا " زحمتکشان زمین را شخم زده در آن بذر گندم افشانند

روزی هنر جویان هنرستان صنمیتی بعلمت عدم وجود وسایل کارگاه دست به اعتراض زدند که طبق معمول به کتک خوردن سه نفر از هنر جویان توسط قیاسی منجر شد. این واقعه خشم همه هنر جویان را برانگیخت و منجر بآن شد که همگی در اداره آموزش و پرورش خرم آباد دست به تحصن بزنند. عده ای از دبیران نیز کسه از محیط خفتان آلود و پراز ترس و رعب هنرستان و اعمال قیاسی رنج میبردند به متحصنین پیوستند عبد و قیاسی بسرعت دار و دسته خود را جمع کرد و آنگاه همه با هم به آموزش و پرورش هجوم بردند متحصنین را با چاقو و کلت مورد حمله قرار دادند هنر جویان نیز از آنان در حین حمله عکس گرفتند که این امر موجب وحشت اوباشان شد. آنها بزور یکی از فیلمها را از دست هنر جویان خارج کرده عقب نشینی کردند. دبیران هنرستان با مدبر کل آموزش و پرورش خرم آباد به گفتگو نشستند و نتیجه این شد که عبد و قیاسی نمیتواند هنرستان را اداره کند و قرار شد یک هیات ۳ نفره از طرف آموزش و پرورش در مورد موضوع به تحقیق بپردازد هنر جویان قلمنامه ای صادر نمودند و در آن اعلام کردند که در صورت روشن نشدن وضع چند روز دیگر مجددا دست به تحصن خواهند زد.

دبیران هنرستان هم در مدت چند روزی که تحصن دوباره وقت باقی بود از خانه هایشان فراری شدند. دار و دسته قیاسی وقتی مشاهده میکنند دستشان به دبیران نمیرسد، بخانه یکی از آنها شیخون زده همسر او را با ساروت در آورده

را از دست متجاوزین خارج کرده و به کشت و کار بر روی آن پرداختند ولی در آذر ماه امسال، زمیندارده "کتا" عده‌ای چماق بدست را اجیر کرده همراه با آنها در زمین مذکور حضور یافتند و تمام زمینی را که روستائیان شخم زده و گندم کاشته بودند، دوباره بزیر کشت برده اینبار خود در آن "جو" کاشتند. شاید جو را برای آن کاشتند که چماقداران از نظر قوت روزانه تأمین شوند!!



چندی پیش در دانشگاه تبریز، رفقای هوادار چریکهای فدائی خلق ایران نمایشگاهی برپا کردند. در این نمایشگاه سؤال و جوابهایی بین بازدید کنندگان و مسئولین نمایشگاه صورت گرفت. از آنجایی که این سؤال و جوابها روشنگر برخی نکات است، ما نقل آنرا در خبر نامه ثبت دانستیم. در برخی قسمتهای این مباحثات شاید ضعفی انشایی مشاهده شود و این به دلیل آنست که بحثها بشکل محاوره صورت گرفته است و ما کوشش کردیم که دقیقاً آنرا بدون کم و کاست نقل کنیم. بخشی از این گفتگوها در این شماره خبر نامه و قسمتهای دیگر آن در شماره‌های بعدی منتشر خواهد شد.

سؤال (س) — چه تفاوتی بین چریکها و سازمان وجود دارد؟

جواب (ج) — چریکها ادامه دهندگان راه اصلی سازمان هستند و این گردانندگان فعلی بعلمت انحراف از خط مشی اصلی چریکها فقط پشت اسامی رفقای شهید پنهان شده اند و از پایگاه توده ای — چریکها که به قیمت خونیهای تمامی شهدای بخون خفته سازمان بدست آمده استفاده کرده و به این دلیل که شرایط جامعه عوض شده تمامی هواداران را بدنیال خود میکشند بدون اینکه تحلیلی از اوضاع جدید و هیئت حاکمه داشته باشند و یا اینکه دلیلی برای بوجود آمدن حزب داشته باشند، این شعار را بخورد تمامی هواداران میدهند. البته با آگاهی به این مسئله که شکل و فرم حزب برای چریکها نه تنها مهم و در راس برنامه ها نبوده، بلکه محتوای آن حزب مهم میباشد که آنها با وابستگی جامعه در — سیر مبارزاتی خلقها، رهبری طبقه کارگر اعمال میشود و میتواند در رأس مبارزات قرار گرفته و با قوه قهر خود و متحدین وفادارش میتواند سرمایه داری وابسته را در گور نهد و بر رویش بنائش عظیم بنا نهند. س — چریکها مبارزه را فقط محدود بیک نوع میکنند که البته آنهام عالیترین شکل مبارزه میباشد ولی برای رسیدن به آن ما باید تشکیلات و حزب طبقه کارگر را بوجود آوریم.

ج — اولاً بعلمت عدم مطالبه در خط مشی تئوری سلحانه و بعلمت تبلیغات زیاد "سازمان فعلی" همگی شما با یک حالت دگم با مسائل برخورد میکنید باین شکل که هر وقت صحبتی از گذشته خونین سازمان میشود، شما بلافاصله خود را وارث آن رزمندگان میدانید و از طرفی هم با پیش کشیدن مسائلی مانند پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر دقیقاً از خط مشی اصلی آنها فاصله میگیرید که البته تمامی این جریانها بعلمت غالب شدن اپورتونیسم بر مرکزیت سازمان میباشد که یکی از مشخصات بارز این اپورتونیسم عدم تحلیل نسبت به شرایط موجود و هیئت حاکمه و مردم بودن بین گذشته و آینده و نداشتن یک خط مشی انقلابی میباشد و در اینکه گفته میشود که چریکها مبارزه را فقط بیک نوع آن تبدیل کرده اند، حرف تازه ای نیست. حزب منحرف توده از همان اول، مبارزه سلحانه را اینچنین تخطئه میکرد و با صدای کرکننده ای فریاد بر میداشت که چریکها جدا از توده ها عمل میکنند، غافل از اینکه آنهايي که عمل نمی کنند کاملاً در جهت تأیید رژیم سرمایه داری وابسته و بر علیه خلق زحمتکش گام بر میدارند. در زمانیکه چریکها خواب و آسایش را بر تمامی کسانیکه ادعای مارکسیست — لنینیست بودن داشتند حرام کردند تابع شرایط مادی جامعه حرکت کرده و با اعتقاد و ایمانی راسخ به پیروزی، با قدمهای استوار گام بر

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند

داشتند و همچنان نیز ادامه میدهند زیرا باعثان چریکها مبارزه مسلحانه شامل تمامی اشکال مبارزه از ساده ترین تا عالیترین آن میباشد .

\*\*\*

س - شما به کارگر اهمیت نمیدهد .

ج - اگر میخواهید مسئله را اینطور مطرح کنید پس من اینطور جواب میدهم که این ما هستیم که نمایی خواهیم متحدان کارگر را از او بگیریم بلکه میخواهیم با شناساندن دشمن اصلی به او و شناساندن راه آماده شدن و مقابله کردن با این دشمن را به او یاد بدهیم ولی اگر میخواهید ، مسئله را بصورت تحلیلی مطرح کنید و سوالتان را بطور کامل مشخص کنید .

س - اگر کارگر نباشد چطور میشود دست امپریالیسم را قطع کرد و کارگر هم تنها بوسیله حزمش میتواند از عهده اینکار بر آید .

ج - شما که گفتید " اگر کارگر نباشد " . اگر توجه داشته باشید من گفتم میخواهیم تا آنجایی که ممکن است به کارگر آگاهی سوسیالیستی بدهیم و آنرا تشکیل کنیم . البته چون در شرایط فعلی جامعه بورژوازی وابسته ما که شرایط مادی برای دادن شعار شورا وجود ندارد ، ما شعار شورا را نمیدهیم چون بگفته لنین شعاری که شرایط مادی وجود نداشته باشد اگر داده شود تبدیل به آلت دست بورژوازی - در جامعه ما بورژوازی وابسته - بر علیه تارگران میشود ولی ما کارمان را در اینجا محدود

نمیکنیم بلکه شعار پایه آن خود را که در رابطه با تضاد اصلی جامعه ما ، یعنی خلق و امپریالیسم است - و امپریالیسم راهی جز سرکوب بوسیله ارتش ضد خلق ندارد - میدهیم . چون تضاد جامعه ما تضاد کار و سرمایه نیست پس مبارزه را تنها محدود کردن در وجود طبقه کارگر ، هم خیانت به خود طبقه کارگر است و هم خیانت به خلقهای تحت ستم ، بطوریکه بیانیه سازمان مربوط به کردستان مؤید این حرف است که در این اعلامیه اوجگیری مبارزات در کردستان را به نفع امپریالیسم توصیه کرده بود و راه حل سیاسی و مسالمت آمیز را برای دولت نماینده امپریالیسم پیشنهاد کرده بود ، چون حزیشان تشکیل نشده .

س - شما که اینقدر از تضاد صحبت میکنی جریانی تا حالا نتوانسته است اینطور تضاد را مشخص کند .

ج - پس شما حتما کتاب رفیق احمد زاده را مطالعه نکرده اید . در آن کتاب قاطعانه ترین جواب را به جریانهای منحرف داده و تضاد جامعه ما را مشخص کرده و با کتابهایی را که چریکهای فدائی این روزها در میآورند .

س - احمد زاده که افکارش التقاطی بود از افکار تیره

ج - چطور؟ صفا را باز کن

س - شما اصلا نیروی مدد را چریک و اسلحه میدانید .

ج - در مورد این بهتر است شما کسی در مورد مبارزه مسلحانه مطالعه کنید . اینطور که معلوم است شما از تنها چیزی که خبر ندارید مبارزه مسلحانه است و حرفهایی که تا بحال گفتید همه اش فتوی بودند که دیگران تزویق کرده اند

س - تمام تحلیلهای شما و حرفهای شما سطحی هستند و طبقاتی نیستند .

ج - دوست عزیز: از اول معلوم است کی سلسلهی غیر طبقاتی حرف زد . من حرفی که زدیم تا اندازهی صورت طبقاتی اثبات کردیم . این تو هستی که تمام حرفهایت فتوی است .

\*\*\*

س - سیاهکل به چه علتی بوجود آمد و نتایجش چه شد ؟

ج - سیاهکل آغازگر مبارزه مسلحانه بود . آغاز شکست رکود و خمود تمامی خلقهای ایران بود و آن پس اعتمادی که از طرف حزب رویزیونیست توده و جنبانتهای آن کمیته مرکزی بر توده ها و خلقهای ایران مستولی شده بود ، با بمباران در آتش زنگ بزرگ خون ، و از خود گذشتگی انقلابیون راستین خلق ستمکش از بین رفت . دیگر توده ها و خلقهای ایران عناصر انقلاب را در اختیار گرفتند .

سازشکاران و خیانتکاران کودتای ۲۸ مرداد و ۳۲ نیستند. جریان سیاهگل برای نوده ها و خلقهای ایران همان داد که تنها بوسیله نیروی قهرآمیز و مبارزه مسلحانه میتوان با دشمن در مقابله ایستاد زیرا دشمن تا دندان مسلح است و باید با او به مبارزه مسلحانه پرداخت. جریان سیاهگل خواب راحت و حرس صفنان را و فکر آسوده و آرامش را از جنایتکاران سلب و آنها را پیریشان خاطر کرد. جریان سیاهگل رژیم را برادر کرد برای خرید سلاح گرانقیمت و استخدام کماندوهای ضد چریک شهری آمریکا، لاتین و مزدوران اسرائیلی باآسانی و با علاقمندی تن در دهد و باین وسیله بحرانهای اقتصادی زودتر گریبانگیرش شود.

تا تمام



دفتر دانشجویان هوادار چریکهای فدائی خلق ایران از تمام هواداران و مبارزان میخواهد با کمکهای مادی و معنوی خود، رفقا را یاری کنند. همچنین دفتر فوق صبح ها از ساعت ۸ تا ۱۰ (منظور در ریاضت انتقادات، سئوالات و پیشنهادات شما میباشد. رفقا میتوانند کمکهای مالی خود را باین دفتر تحویل دهند.

تهران - دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی

آدرس: تهران - جاده قدیم شمیران - (خیابان دکتر شریعتی) - سه راه ضرابخانه

\*\*\*\*\*

اعلامیه جدید

چریکهای فدائی خلق ایران، در اعلامیه "خطاب به: هواداران چریکهای فدائی خلق ایران" ۱۹ بهمن سالروز رستاخیز سیاهگل

را گرامی میدارند. در بخشی از این اعلامیه آمده است:

"رفقای ما در شرایطی مبارزه مسلحانه را آغاز نمودند که دشمن در اوج قدرت بنظر میرسید و توده های ما دچار باس و سرخوردگی بودند. دشمن با تمام قوا وارد نبرد شد و رفقای ما در این نبرد نابرابر نه تنها شکست متوردند، بلکه دشمن را مغلوب عزم و اراده و ایمان انقلابی خود نمودند. اپورتونیستها دوش در پیش دشمن را با استفاده از انواع حیل کوشیدند تا با ضربه زدن به مبانی تئوری مبارزه مسلحانه، آنها میان روشنفکران انقلابی بی اعتبار سازند. ولی با اینهمه کوششی که چه رژیم و چه اپورتونیستهای رنگارنگ در نابود ساختن سازمان و شی انقلابی رفقای ما میدول داشتند، مبارزه مسلحانه بدلیل انطباق آن با واقعیات جامعه و به پشتوانه حمایت گسترده توده ها روز بروز بیشتر شناخته شد و در هرصه مبارزه عملی توده ها نفوذ یافت. کمونیسم و کمونیستها که بواسطه خیانتهای مکرر اپورتونیستها و اپورتونیسم خائن حزب توده بی اعتبار شده بود، بار دیگر با خون رفقای شهید ما جان گرفت . . . ."

۱۹ بهمن سالروز رستاخیز

سیاهگل را گرامی بدارید



### چند خبر دیگر

#### بابل — مرزون آباد

روستائیان مرزون آباد به صادره زمینهای پرداخته اند که حق آنان بوده و سالها از دسترس آنها دور مانده بود.

۱ — زمینی به مساحت ۱ هکتار که متعلق به شخصی بود که سالها از روستائیان بهره کشی مینمود زمین مزبور بین ۴ نفر تقسیم گردید. این ۴ نفر به گروههای ۴ نفره تقسیم شده و هر گروه زمین خود را کشت میکند. این زمین روز ۱۹ دی تقسیم شد.

۲ — زمینی به مساحت ۱۲ هکتار. این زمین گویا در تصاحب دولت بوده و سالها بدون مصرف باقیمانده بود. از آنجائی که این قطعه زمین با ۳ روستا مجاور بود، آنها به ۳ قسمت تقسیم کرده و سپس بین کشاورزان فاقد زمین سه روستا تقسیم نمودند. این زمین ۱۵ دی تقسیم شد.

۳ — زمینی به مساحت ۱۵ هکتار که در مشهدی کلا مرزون آباد واقع است. این زمین سالها بود که بلااستفاده باقی مانده بود. روستائیان بوسیله بولدوزر این زمین را تسطیح کرده و بین تمام اهالی تقسیم نمودند و آنگاه همگی در آن گندم کاشتند.

#### اعلامیه افشاگرانه جوانان و کشاورزان روستای "رونکلای غربی"

گروهی از جوانان مبارز و کشاورزان

روستای رونکلای غربی طی اعلامیه ای به افشای سهراب کلانتری، عضو فعال "حزب رستاخیز" و ساواک در رژیم پیشین و معاون اداره آموزش و پرورش در حکومت فیللی (ناحیه ۱۲ تهران) پرداختند. ماهیت ضد خلقی این رجال بر روستائیان کاملاً پدیدار شده و همین یک فقره جنایت یعنی وابستگی به محافظ توطئه بر علیه مردم و سرو کار داشتن با سازمان آشام ساواک خسود به تنهایی کافیت که زمان دهد هستی او (واضال او) بحساب کشتار وحشیانه، سرکوب، بگیری و بربندی فقرو فلاکت و . . . میلیونها زحمتکش شریف پایدار است و تازه آقای سهراب کلانتری با این سابقه "پرافتخار" خویش به "ادگاه انقلاب" شکایت میداد که روستائیان زمینهای "مرا" گفته اند.

جوانان و کشاورزان روستای رونکلای غربی نیز در اعلامیه یاد شده پیوسته از ماهیت او برداشتنند و برای آشکار کردن بیشتر واقعیات، یکی از اسناد دال بر سرسپردگی او را که در رستاخیز شماره ۲۸۲ سال سوم به تاریخ یکشنبه ۱۳ آذرماه سال ۶۶ درج شده بود در معرض تضاد همگان قرار دادند.

.....  
 .....

بشهر

رئیس کارخانه چیت سازی بشهر، دو کارگر مشغول جمع آوری زباله در محیط کارخانه را به قسمت ریسنده گی و بافندگی منتقل کرد تا در این قسمت بکار مشغول شوند. پس از آن رئیس سرپرست باغبانها را احضار نموده باو گفت که کار آن دو نظافتچی منتقل شده را ۲ تن از باغبانها باید به عهده بگیرند. سرپرست نیز تصمیم آقای رئیس را با اطلاع باغبانها رساند و تهدید کرد هر یک از شما که در صورت احضار برای نظافت از اینکار سر باز زنید، حقوق آنروزتان قطع است.

باغبانها (۲ نفر) به الحاق رئیس مراجعه کردند تا از چگونگی امر اطلاع حاصل کنند. وقتی باغبانها حدود وظایف خود را به رئیس گوشزد کرده اظهار داشتند که چیزی در رژیم "طافوت" هم ما را و دار باینکار نمیکردند آقای رئیس گفت: برای من طافوت و باقوت فرق نمیکند . . .

یکی از باغبانها چنان خشمناک شد که دندان روی میز را برداشته بسر رئیس کوبید و سپس میز کار آقای رئیس را بلند کرده بسمت او پرتاب نمود. در این هنگام یکی از نمایندگان سابق کارگران چیت سازی بطرفداری از رئیس برخاست که منجر به کذب خوردن وی بوسیله باغبانها شد.

کارگران دیگر قسمتها تصمیم گرفتند که اگر در این جریان کارگری اخراج گردد، آنها از او حمایت کنند.

نامهای را که ملاحظه میکنید توسط عده‌ای از رفقای دانشجو و دانش‌آموزان هوادار چریکهای فدایی خلق ایران نوشته شده است:

با درود فراوان بر چریکهای فدایی خلق ایران

رفقا: ما بعنوان گروهی از دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار در رابطه با مسائلی که در سطح جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی طی چند ماه گذشته بوجود آمده خود را موظف میدانیم که برای حل این مسائل در کل جنبش دانشجویی، بخصوص جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی، باید آنها را با رفقا در میان بگذاریم تا این مسائل روشن شود.

اول: جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی از بدو منتشر شدن پیشنهاد ( ارگان دانشجویان و دانش‌آموزان - پیشنهاد ) درگیر این مسئله است که آیا رفقای چریک فدایی این جریان دانشجویی و دانش‌آموزی - پیشنهاد را تأیید یار میکنند؟ از بدو انتشار اولین جزوه ( کتاب آیا سازمان چریکهای فدایی خلق - ایران مبارزه مسلحانه...؟ ) این جریان دانشجویی، که در پشت آن، این نکته ( یعنی - طرفداران مشی چریکهای فدایی خلق ایران ) نوشته شده بود این سؤال برای هواداران پیش‌آمد که آیا این جریان دانشجویی هوادار مشی چریکهای فدایی خلق ایران هستند یا نه؟ البته بعد از انتشار اولین شماره ارگان این جریان دانشجویی ( پیشنهاد ) این سؤال ضرورت بیشتری یافت زیرا در زیر آرم خود این جمله را ( یعنی طرفداران مشی چریکهای فدایی خلق ایران ) را حذف کرده - بودند و در برخوردی که با یکی از نمایندگان این جریان پیش‌آمد ایشان ذکر کردند که این جمله از چاپ افتاده است و آنرا باز هم میتوانیم چاپ کنیم و چاپ کردن این جمله هم این مسئله ای را حل نمیکند چون ما چریک فدایی را یک پدیده اجتماعی میدانیم مانند کلمه ( باشویسم ) که یک پدیده اجتماعی در جامعه روسیه بود. نماینده پیشنهاد طی صحبت‌هایش گفت که ما چریکهای فدایی خلق ایران را یک جریان اصلی نمیشناسیم بلکه گروههای معتقد به مشی رفیق احمد زاده را یک طیف میدانیم البته ایشان فقط از دو گروه به اسم گروه پیشرو و گروه چریکهای فدایی خلق ایران یاد کردند. البته رفقای چریک فدایی پیش از در رابطه با جریان پیشنهاد اطلاع دارند.

ولی مسئله ای که ما را وادار بنوشتن این نامه کرد این بود که نماینده پیشنهاد عنوان میکرد که سازمان دانشجویی پیشنهاد سازمانی است دموکراتیک و چیزی که میخواهد این است که هواداران چریکهای فدایی خلق ایران و هواداران گروه پیشرو و احیاناً " هواداران گروههایی که در آینده بوجود خواهند آمد، را زیر چتر خود بگیرند و آنها را از لحاظ تفویض پرورش دهند و برای عضویت در این سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که در آینده از بهم پیوستن و وحدت گروههای نامبرده بوجود خواهد شد آمد، کادر سازی کنند. ولی وقتی که به عملکردهای این جریان ( پیشنهاد ) طی این مدت نظر انداخته شود مشاهده میگردد فقط به تفرقه در بین هواداران دامن زده اند.

ما با واقف بودن به پیگیری رفقای چریک فدایی در حل مسائل جنبش کمونیستی این نامه را ارسال میکنیم و امیدواریم رفقا در حل این مسئله هواداران را یاری دهند و اگر امکان دادن رهنمودی از طرف رفقای چریک فدایی وجود دارد، رفقا از دادن چنین رهنمودی دریغ نورزند.

نابود بساد تفرقه در صفوف هواداران چریکهای فدایی ایران  
هر چه مستحکمتر باد صفوف دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار -  
چریکهای فدایی خلق ایران  
درود آتشین بر چریکهای فدایی خلق ایران  
بسا ایمان به پیروزی راهمندان

گروهی از دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار چریکهای فدایی -  
خلق ایران

در پاسخ به رفقا باید بگوئیم، رفقای دانشجو و دانش‌آموز هوادار چریکهای فدایی خلق ایران تحت نام ...